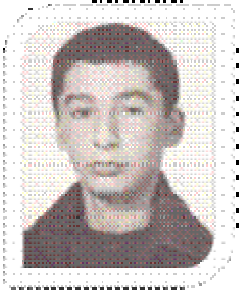


رفیق جمال چراغ ویسی در سالن ورزشی تختی در سنج

مظفر فلاحی

بیست چهارم فرورین هشتاد و هفت



جمال چراغ ویسی: رفقای کارگر! خوش آمدید، امروز روز جهانی کارگر و جشن جهانی خودمان است. جشن روز کارگر بر همه ما پیروز باد. همانطور که رفیق مجری برنامه اعلام کرد، قرار بود که رفیقی درباره مجمع عمومی صحبت کند، مجمع عمومی با تعریف ساده یعنی اینکه امروز روز جهانی کارگر ما به دور هم جمع شویم و در این رابطه بحث و گفتگو کنیم. مجمع عمومی با تعریف ساده یعنی جمع شدن تعدادی کارگر در محل و مکان مشخصی که روی مسئله ای مشخص که قبلاً تعیین شده و یا تعیین می‌شود به بحث پرداخته و

تصمیم بگیرند و به نتیجه‌ای درست برسند. انسان موجودی اجتماعیست یعنی در اجتماع و در جمع شدن انسانها بدور هم که آنها می‌توانند نیاز هایشان را برآورده کنند مثلاً اگر احتیاج به نان دارند باید دور هم جمع شوند و دست در دست هم بگذارند تا بتوانند نانی را تهیه کنند و اگر رنجی هست همه با هم در کنار هم می‌کشند.

مجامع عمومی ما کارگران باید حربه‌ای و ضامنی باشد برای گرفتن حق و حقوقمان و ما امروز در روز جهانی کارگر اعلام می‌کنیم، افزایش دستمزدهایمان، کاهش ساعت کار، استفاده از امکانات بهداشتی و درمانی، حق بیمه بیکاری، جلوگیری از اخراج کارگران و صدها و هزاران خواستی که نسبت به آنها کم کاری شده و یا به فراموشی سپرده شده است مطالبات ما هستند و باید تأمین گردند. اگر ما بخواهیم به این خواست‌ها برسیم، و بخواهیم زندگی کنیم و خواسته‌هایمان را بگیریم، تنها و تنها به کمک جمع شدنمان و با تکیه به مجمع عمومی‌مان امکانپذیر است.

تاکنون و در طول تاریخ، از روزی که کارگر قدم به میدان جامعه گذاشته و نیروی کار خود را بفروش می‌رساند تا با آن زندگی کند، نمونه‌های زیادی داریم که کارگر چیزی برایش مطرح بوده و یا برایش مطرح شده و زمانیکه خواسته است مسئله را به تنهایی حل کند سرکوب و یا اخراجش کرده باشند، یا حداقل جوابش را نداده‌اند. نمونه‌هایی هم داریم که کارگران باهم چیزی برایشان مطرح بوده یا ظلمی به آنها شده ولی توانسته‌اند با هم مسئله و مشکل را حل کنند. مجمع عمومی چیز عجیب و غریبی نیست، چیزی نیست که خیلی خیلی از ما دور باشد. همین جمع خودمان را در نظر بگیریم تعدادی کارگر و تعدادی از خانواده‌های کارگری و زحمتکشی هستیم که بدور هم جمع شده‌ایم و می‌خواهیم یادی از روز اول ماه مه ۸۶ بکنیم این روز را به بلند گویی برای طرح خواسته‌هایمان و رسیدن به آنها تبدیل کنیم. و به این دلیل از ساعت ۳ در اینجا تعدادی کارگر که از مسائل‌مان بگوئیم و مطالباتمان را بیان کنیم، این خود برای ما مجمع عمومی است. مجمع عمومی برای ما ناآشنا نیست، ما در محل کارمان، در محل زیستمان در میان خانواده‌هایمان مجمع عمومی داریم و به شیوه‌های متفاوت و بدلائیل مختلف دور هم جمع می‌شویم، وقتی ۶ کارگر در کارگاهی باهم کار می‌کنند و با هم از مسائل‌شان صحبت می‌کنند و تصمیم می‌گیرند این خود مجمعی می‌باشد. باید بگوئیم چیزی که به

مجمع عمومی رسمیت می‌دهد و آنرا تثبیت می‌کند، تنها و تنها منظم بودن و همیشگی بودن آن است. اگر ما هر روز ۱۰ ساعت باهم کار می‌کنیم می‌توانیم در روز هم نیم ساعت و در ماه دو روز و یا حداقل ۲ ساعت دور هم بنشینیم و از مشکلاتمان بگوییم. اعتبار و رسمیت دادن به مجمع عمومی‌مان در گرو منظم و بطور همیشگی گرفتن آن می‌باشد. اما ما اغلب وقتی کارفرمایی می‌خواهد ساعات کار را طولانی و یا دستمزد را کم کند، با عجله مجمع می‌گیریم. از آنجا که نمی‌توانیم مسئله را خوب بررسی کنیم و ارزیابی مشخصی بکنیم و تصمیم قاطعی بگیریم، حرف‌هایمان می‌ماند و نمی‌توانیم حقوقمان را بگیریم. البته مجمع عمومی تنها مختص کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگ نیست، ما حتی در کارگاه‌های کوچک هم می‌توانیم مجمع بگیریم. در کارگاه‌های کوچک می‌تواند شکل مشخصی از متحد بودن کارگران باشد، به چه شیوه‌ای؟ وقتی شهر خودمان سنج را می‌بینیم، در خیابان‌ها و کوچه‌های آن صدها کارگاه خصوصی کوچک وجود دارد، از مکانیکی و جوشکاری و نجاری گرفته تا صافکاری و نقاشی و سایر رشته‌های دیگر این کارگاه‌ها ساعات کار مشخص ندارند و از امکانات زیستی، بهداشتی برخوردار نیستند، دستمزدها در آنها پایین است، قانون کاری که در این کارگاه‌ها حاکم است قانون کاری است که کارفرما خود تعیین کرده و نه حتی قانون کار خود دولت و اداره کار و از قانون کار ما کارگران در این کارگاه‌ها خبری نیست. کارفرما به شیوه‌ای که برایش سازگار باشد و به نفعش باشد عمل می‌کند، کاری به این ندارد که من چگونه زندگی می‌کنم، اگر ما کارگران کارگاه‌های خصوصی بتوانیم بدور هم جمع شویم و مسائل‌مان را بازگو کنیم و مشکلاتمان را بیان کنیم و تشکیلی بنام **سندیکا، اتحادیه، دفتر نمایندگی** و یا هر اسم دیگری بوجود آوریم، این در واقع همان چیزی است که اکنون به نفع ماست و معضل ما کارگران را می‌توان جوابگو باشد. ما باید در جاهایی دور هم جمع شویم.

و باهم بحث و گفتگو کنیم و ما مسائل‌مان را مطرح کنیم و بتوانیم مثلا تعاونی مصرف بوجود آوریم، تعاونی مصرفی که بتواند حداقل کمکی بکند به مسایل معیشتی ما و وسایل و ارزاق عمومی و مایحتاج عمومی ما را به قیمت دولتی در اختیارمان بگذارد. به محله‌های اطراف شهرمان نگاه کنیم، شهرسنندج هم اکنون نمونه بارزی است برای نشان دادن وضعیت مشخص ما کارگران، محلات‌مان از عباس آباد تا کانی کوزله و تا حاجی‌آباد و زورآباد و تا دهها و صدها محله دیگر نمایانگر محرومیت ما از امکانات ابتدایی و اساسی زندگی هستند. حتی چند قطره آب برای تر کردن زبان خشکتان پیدا نمی‌کنید. برای صد و حتی دویست خانه یک شیر آب عمومی وجود دارد که برای یک سطل آب باید ساعت‌ها در صف ماندگار شوی که البته این درد و رنج بر دوش زنان و خواهرانمان می‌باشد. در خیلی از محلات آب لوله‌کشی وجود ندارد و مردم از چشمه و یا هر جای دیگری دچارش می‌شویم، نتوانیم سرکار برویم و نتوانیم پولی را هم قرض کنیم در آنصورت باید از گرسنگی بمیریم و جان خود را از دست بدهیم، به این خاطر که در هیچ جایی اعتبار نداریم، کارفرما تا زمانی ما را می‌خواهد که به ما احتیاج داشته باشد. رفقای دیگرمان هم نمی‌توانند به تنهایی به ما کمک کنند چون اگر وضعشان خرابتر از ما نباشد، بهتر از ما نیستند و آنها نیز دست بگریبان ستم و استثمار هستند، بنابراین راه چاره چیست؟ ما می‌توانیم با جمع کردن پول‌های مختصرمان بطور ماهانه و یا مدت زمان‌های دیگری پولی جمع کنیم و در ضروری که احتیاج باشد، خود یا رفیق دیگری که نیازمند است از آن استفاده کنیم. می‌توانیم مقداری از این پول‌ها را به خانواده‌های نادر و بی‌بضاعت و خانواده‌هایی که بدهکارند کمک بکنیم. بیکاری واقعا از ما زهر چشم گرفته است و اگر کارفرمایی بما توهین کند، مجبوریم تحمل کنیم تا که اخراج نشویم و این دیگر احتیاج به

توضیح ندارد. اکنون کارگر بیکار بی حد زیاد است و هر لحظه امکان دارد که کسانی که سرکارند تک تک بیکار شوند. ما اگر بتوانیم مقداری پول برای خودمان پس انداز کنیم در آن صورت میتوانیم با مقداری از این پول، به رفقای بیکار و خانواده‌های نادر بی‌بضاعت کمک کنیم و اگر رفیقی در سانحه‌ای دستش شکسته و پایش شکست کمکش کنیم. می‌بینید که تعداد زیادی از ما بی‌سوادند، دلیلش طولانی بودن ساعت کار است. اگر ما بتوانیم در هفته یکی دو روز و یا هر وقت توانستیم رفقای را که سواد ندارند، سواد یادشان بدهیم و اگر سواد داریم مطالعه کنیم، بهتر اوضاع را می‌شناسیم. ما می‌توانیم تعاونی کار بوجود آوریم، تعاونی کاری که مشکلات ما را حل بکند، مثلاً اگر من نجار هستم و رفیقم احتیاج به نجار دارد، کارش را با دلسوزی و با کیفیت بهتری انجام دهم و با دستمزدی کمتر از بازار، کارش را اتمام کنم و یا اگر آن رفیق نجار بود و من احتیاج به نجار داشتم، کمکم کند می‌توانیم تعاونی‌های مصرف بوجود آوریم. تعاونی مصرفی که می‌تواند حداقل مشکلاتمان را حل کند، مایحتاج زندگیمان را به قیمت ارزان و رسمی و به نرخ دولتی در اختیارمان بگذارد.

در مورد بیمه بیکاری هم کمی صحبت کنم، بیمه بیکاری عبارت است از حقوقی که ماهانه از طرف اداره کار به کارگرانی که بیکار می‌شوند و یا اخراج می‌گردند پرداخت می‌شود. حق گرفتن بیمه بیکاری باید بتواند از اخراج کارگران بوسیله کارفرمایان جلوگیری کند. اکنون ببینیم چگونه است؟ طبق آمار سال ۱۳۶۷ که آمار رسمی است از اول فروردین ۶۶ تا آخر بهمن ماه ۶۷ که ۲۳ ماه می‌شود ده هزار نفر توانسته‌اند از بیمه بیکاری استفاده کنند. آیا واقعا فقط ۱۰ هزار بیکار داریم؟ خیر! واقعیت غیر از این است. این نشان می‌دهد که فقط ۱۰ نفر از حق بیمه می‌توانند استفاده کنند. چرا؟ بخاطر اینکه آنها در کارگاه‌هایی هستند که مجوز کار دارند و بیمه هستند و شناسنامه کار دارند و به این خاطر از حق بیمه استفاده می‌کنند اما کارگر کشاورزی، فصلی، ساختمانی و کارگری که در کوره کار می‌کند و کارگری که در قالبیافی کار می‌کند از حق بیمه محرومند. حق بیمه بیکاری که ماهانه پرداخت می‌شود چیزی نیست که با رعد و برق آسمان و یا با زلزله آمده باشد بلکه چیزی است که ماهانه از حقوق خودمان کسر می‌شود. آن رفقای که حق بیمه پرداخت می‌کنند متوجه شده‌اند که از اول سال ۶۶ به این طرف ماهانه ۶۰ تا ۷۰ تومان از دستمزدشان کسر می‌شود و این مبلغ بر اعتبار بیمه بیکاری افزوده می‌شود پس در واقع اداره کار و بیمه اجتماعی و مسئولین مربوطه حالت بانک بخود گرفته‌اند و ماهانه مقداری پولی را از کارگران شاغل جمع می‌کنند تا اگر رفیقی بیکار شد و یا اخراج گشت، کمکش کنند، آن هم طبق شرایطی که به آن اشاره شد.

خواست ما کارگران در مقابل بیمه بیکاری این است که بیمه بیکاری به تمام کارگران بیکار و تمام کسانی که آماده به کارند و سن آنها بالاتر از ۱۸ سال است داد می‌شود.

بیمه بیکاری شامل تمام کارگران خدماتی، کشاورزی، صنعتی، کارگران ساختمانی، فصلی و موقتی، کارگران کوره پزخانه‌ها و قالبیافی باشد و شامل تمام کسانی شود که برای تامین زندگیشان نیروی کار خود را به فروش می‌رسانند.

برای تامین بیمه بیکاری ماهانه از دستمزدهایمان کسر نگردد. بیمه بیکاری فعلی بر مبنای حداقل دستمزد یعنی ۸۳ تومان پرداخت می‌گردد و بدون استفاده از مزایا و بن کارگری و می‌دانیم ۸۳ تومان فقط پول ۱۵۰ گرم چای و یا پول ۴۰۰ گرم قند و ۲۵۰ گرم روغن است. در صورتیکه بیمه بیکاری باید بتواند رفاه خانواده ۵ نفره را تامین کند و متناسب با نرخ تورمی باشد که در بازار وجود دارد. اشاره به بن کالاها کردیم، بن کالا از سال ۶۵ به بعد داده می‌شود

و قرار بر این بود که به این وسیله سطح معیشت کارگران بالا رود. قرار بر این بود دولت کالاهای اساسی و مایحتاج عمومی مثل برنج، قند و چیزهای اساسی و ضروریان را بجا بدهد و در مقابل آنها پول دریافت نکند. در مراحل اول این عمل شد اما بعد چه شد؟ بجای روغن و برنج، خمیر و مسواک داده‌اند! چرا اینطور شد؟ برای اینکه گویا کارفرمایان ناراحت می‌شوند چون حقوق زیادی پرداخت می‌کنند و این حقوق اضافی بجا داده می‌شود! آیا واقعا اینطور است؟ آیا واقعا ماهی ۳۰۰، ۴۰۰ تومان یا ۷۰۰ تومانی که تازگی‌ها می‌دهند، بخشی از دستمزد خودمان نیست! تازه اگر کارفرما آنرا پرداخت کند، آیا کلاه سرش می‌رود؟ ۷۰۰ تومان را با ساعات کار طولانی و کاهش دستمزدمان و کمتر کردن شرایط ایمنی کارمان و به صدها طریق دیگر از ما بازپس می‌گیرد، و نه تنها آن ۷۰۰ تومان را بلکه خیلی بیشتر از آن را از ما پس می‌گیرند و این عادت و قانون آنها است. خواست ما کارگران در مقابل بن کالاهای این است که خارج از این که بن‌ها کی اعلام می‌شود و کی آورده می‌شود. مثلا بن سه ماه سوم و چهارم در فروردین امسال داده شد و بن امسال هم معلوم نیست کی داده خواهد شد بن‌ها سر وعده و بموقع پرداخت کردند و مبلغ آن بر دستمزدمان اضافه شود و مبلغ آن بر دستمزدمان اضافه شود و کالاهای اساسی که نتوانند مایحتاج زندگیمان را تامین کنند. در اختیارمان قرار گیرند. در آخر تنها اینرا می‌گویم که ما اینجا حرفهایمان را می‌زنیم و بخوبی خواسته‌هایمان مطرح می‌شود، اما هدف تنها گفتن و حرف زدن نیست، بلکه عمل کردن است و مبارزه برای دستیابی به خواسته‌هایمان، و در این راه اگر تشکلی نداریم از همین امروز دست در دست هم بگذاریم و تشکل بوجود آوریم و اگر صندوق نداریم، آنرا بوجود آوریم.

زنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر

* * *

توضیح: متن این سخنرانی یکبار از رادیو صدای انقلاب ایران به مناسبت اولین سالگرد جانباختن رفیق جمال پخش شد، اما نسخه کتبی آن اولین بار است که باز تکثیر شده و من بعنوان کسی که خود در نوشتن آن و آماده کردنش در آن زمان نقش داشتم و بمناسبت نوزدهمین سالگرد اعدام جمال این کارگر رزمنده و کمونیست و هم زمان شدن با آزادی محمود صالحی یکی از رهبران جسور و سرشناس جنبش کارگری ایران از زندان رژیم حامی سرمایه و نزدیک شدن و آمادشدنمان برای سازماندهی اول ماه مه روز جهانی کارگر، تقدیم می‌کنم به تمام کارگران و امید است که امسال بیش از سالهای گذشته، برای مطرح کردن خواسته‌هایمان و دادخواستمان بر علیه نظام سرمایه جهانی و حامیانشان در روز جهانی کارگر بمیدان بیاییم.

امروز جمال در میان ما نیست، ولی اگر در میان ما بود، با توجه به شناختی که از روحیه رزمنده‌اش و خصلت پویندگی‌اش داشتم، از اینکه باز هم بسیار جسورانه در سنگر مقابله با تعرض سرمایه‌داری به کار و معیشت کارگران قرار می‌گرفت، کوچکترین تردیدی به خود راه نمی‌دادم. معتقدم که روند مبارزه روزمره طبقاتی شناختش را از مناسبات تولید، استثمار و توحش سرمایه‌داری به مراتب عمیق‌تر کرده و او بسیار آگاهانه‌تر و مستقل‌تر علیه این مناسبات می‌رزمید. این سخنرانی و واقعه اعدام این کارگر جسور یک پیام بسیار گویا و روشن برای هم‌طبقه‌ای‌های خود دارد. کارگران در مبارزه خود علیه سرمایه‌داری و برای متوقف کردن توحش این نظام نیازمند یک اتحاد نیرومند طبقاتی هستند. این اتحاد در گرو هرچه اجتماعی‌تر شدن و جنبشی‌تر شدن اعتصابات، اعتراضات و مبارزات کارگری است. پیوند طبقاتی این حرکت‌ها تنها از طریق اعمال نیروی خود کارگران و وسعت بخشیدن آن امکان‌پذیر است. جمال کارگر کمونیستی بود که علیرغم هر وضعی در جنبه پراتیکی مبارزات خود، بر حسب توان خود در این گام برداشته و یاران و همراهان راستین او نیز راهی جز ادامه این راه و پربارتر کردن دستاوردهای این سنت مبارزاتی در پیش روی خود ندارند. به این امید که اتحاد طبقاتی کارگران مرز هر گونه اختلاف سیاسی و تفاوت گرایش‌ها را درنور دیده و اتحاد طبقاتی و پیوند مبارزات وسیع کارگری در دستور کار هر کارگر فعال و

آگاهی قرار گیرد.

زنده باد یاد و خاطره جمال چراغ ویسی کارگر کمونیست و رزمنده.

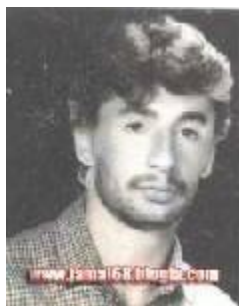
زنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر.

مظفر فلاحی «کارگر بخش تاسیسات «متال در سوئد»

(وبلاگ اختصاصی به یاد کارگر کمونیست جمال چراغ ویسی)

پنجشنبه بیست و دوم فروردین ۱۳۸۷

به یاد کارگر کمونیست و سخنران اول ماه مه سال ۱۳۶۸ سنندج جمال چراغ ویسی



کارگران، مردم ستمدیده کردستان و ایران! ۱۶ سال پیش، بدنبال ماه مه ۶۸ مزدوران و ماموران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران به جنبش کارگری کردستان و بخصوص اتحادیه صنعتگر سنندج یورش آورده و دهها تن از کارگران ورهبران این جنبش را دستگیر کردند. در شرایطی که خمینی تازه جام زهر را نوشیده بود و برای جبران شکست در جنگ ارتجاعی ایران و عراق و برای بقای عمر ننگین سرمایه در ایران به فعالین کارگری که در حال سازماندهی برای

پیشبرد اهداف کارگری بودند یورش آورد. در این یورش جنایتکارانه اغلب فعالین جنبش کارگری در سنندج و چندین شهر دیگر کردستان از جمله سقز، مریوان، بوکان و بانه را یا دستگیر کرد و یا مجبورشان کرد که از خانه و محل کار و زندگی شان بگریزند. دهها تن از این کارگران را سالها در زیر وحشیانهترین شکنجهها قرار داد و کارگر کمونیست و سخنگوی اول ماه مه ۶۸ سنندج رفیق جمال چراغ ویسی را بعد از حدود ۸ ماه شکنجه به جوغه اعدام سپرد. جمال کارگر آگاه و کمونیست، در زیر شکنجههای رژیم شجاعانه مقاومت کرد و در طول مدتی که در زندان بود با سر بلندی از اهداف کارگری و سوسیالیستی سرسختانه دفاع کرد و در راه رسیدن به اهدافش که همانا نابودی سرمایه داری و برقراری حکومت کارگری بود قهرمانانه جان باخت. کارگران! جمال نهالی را که با خون خود آبیاری کرد، برای ما به یادگار گذاشت و ما باید از این نهال که اکنون رشد کرده با تمام وجود نگهداری کنیم. تنومند شدن این نهال، در گرو اتحاد و همبستگی کارگری مان است! کارگران! در شرایط و اوضاع کنونی، این امر با ایستادگی در برابر یورش چماقداران و مرتجعین خانه کارگر و شورای اسلامی کار و حفظ اتحاد و همبستگی مان میسر می گردد. پرهیز از مسائلی فرعی که به اتحاد طبقاتی ما ضربه می زند و معطوف شدن به این اتحاد طبقاتی مان ما را قادر خواهد ساخت که نوید بخش یک زندگی بهتر برای کارگران و زحمتکشان ایران باشیم.

زنده باد یاد کارگر کمونیست جمال چراغ ویسی!

زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران!

۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۴

مظفر فلاحی «کارگر بخش تاسیسات و عضو اتحادیه متال در سوئد»